

یهود در عصر ظهور

ام‌البنین حیدری امین^۱

فاطمه عسگرپور^۲

چکیده

دوران ظهور حضرت ولی عصر^ع دوران سختی و مواجهه با اقوام و گروه‌های مختلف فکری و عقیدتی، من جمله قوم یهود است. با توجه به تاریخچه زندگی قوم یهود و نقش آنان در ایجاد جنگ‌های مختلف، سؤال این است که آیا این قوم لجوج با ظهور حضرت، تسلیم شده و دست از فتنه‌انگیزی بر می‌دارند یا هم‌چنان در جبهه باطل قرار داشته و به جنگ‌افروزی و مانع‌تراشی در برابر ایشان می‌پردازند؟ روایات مرتبط به وقایع پس از ظهور، بیانگر حضور موثر یهود در جبهه باطل و جنگ‌افروزی و فتنه‌انگیزی مداوم آنان و یاری رساندن به دشمنان امام به شیوه‌های گوناگون و نیز چگونگی مواجهه حضرت با ایشان است. این مواجهه به صورت‌های مختلف بیان شده، از جمله دعوت یهودیان به اسلام با اقامه دلیل و ایمان آوردن آنان، اخراج این قوم از شهرهای عربی و پرداخت جزیه و در صورت مقاومت و فتنه‌انگیزی، مقابله و نبرد سختی با آنان شکل می‌گیرد. این اخبار مختلف حاکی از حضور طولانی مدت یهود و اقدامات گوناگون از ناحیه آنان پس از ظهور حضرت می‌باشد.

همچنین از روایات برداشت می‌شود که همسویی خاصی میان دجال و یهود وجود دارد که در نهایت امام زمان^ع با شکست دجال و تصرف این سرزمین وارد مسجدالاقصی می‌گردند.

واژگان کلیدی

ظهور، حضرت مهدی^ع، یهود، دجال.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول) (heidare.amin@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم.

از اعتقادات مهم و اساسی تمامی ادیان و مذاهب الهی بالاخص شیعه، اعتقاد به ظهور مصلح جهانی است. عصر ظهور از حساس ترین ادوار تاریخ زندگی بشر است. دوره‌ای که مدینه فاضله تحقق می‌یابد، عدالت گسترش یافته و تمام استعدادهای بشر به شکوفایی می‌رسد. اما تحقق این امر با چالش‌ها و موانعی همراه است که معاندان و استکباران در راه ایجاد حکومت واحده جهانی پدید می‌آورند. بنابراین مهم‌ترین نکته در سیر مطالعات وقایع پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ‌ترین مصلح و منجی بشریت، سیر مبارزات ایشان است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. در بررسی روایی مربوط به دوران ظهور، می‌توان به حضور و نقش یهود در مقابله با امام و تقابل و رویارویی مهم ایشان با یهود اشاره نمود. یهودیان با تکیه بر سابقه چند هزار ساله و افتخار به دارا بودن انبیاپی چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و... و نیز تاریخ آکنده از نافرمانی و کشتار و آواره‌گی، همواره خود را نژاد برتر دانسته به گونه‌ای که پیامبری را حجت می‌دانستند که از نژاد آنان باشد. لذا با توجه به چنین ویژگی‌هایی، این قوم یکی از موانع بزرگ ظهور به حساب می‌آیند. همچنین تاکید روایات بر مبارزات حضرت با یهود گویای حضور موثر آنان در زمان ظهور بوده و این مطلب چنان اهمیت دارد که آیات اولیه سوره اسراء بر حسب نظر برخی مفسران، به آن اشاره دارد. لذا بررسی چگونگی حضور یهود و فتنه‌انگیزی آنان به عنوان یکی از موانع مهم در برقراری حکومت حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روایات متعددی که به حضور یهود و چگونگی مواجهه آنان با امام و نیز مقابله حضرت با این قوم دلالت دارد عمدتاً از اهل سنت نقل شده و بزرگان شیعه نیز در جمع آوری روایات از کتب آنها استفاده کرده‌اند و از آن جایی که این مقاله صرفاً به بررسی محتوایی روایات نظر دارد، بحث‌های تخصصی مربوط به سند روایات را به اهل فن واگذار می‌نماییم.

در این تحقیق با استفاده از منابعی همچون: قرآن، تفاسیر، روایات شیعه و اهل سنت نحوه حضور و مواجهه یهود را با سه رویکرد بررسی کنیم:

- حضور یهود در عصر ظهور

- چگونگی مقابله یهود با امام و فتنه‌انگیزی ایشان در زمان ظهور

- تدابیر کلی امام برای سرکوبی و مقابله با آنان از زمان ظهور تا نابودی کامل آنان

به دست حضرت

فتنه انگیزی یهود در عصر معاصر

قوم یهود در طول تاریخ نشان داده‌اند که بیشترین دشمنی و مخالفت را با مؤمنان و خوبان و خداجویان دارند و با کسانی که در مسیر حق و عدالت گام برمی‌دارند، به مبارزه می‌پردازند. این قوم از گذشته به دنبال فساد، تباہکاری و قتل و غارت بودند و با حمایت‌های انگلیس و آمریکا و دیگر دولت‌های استکباری به فکر سلطه بر ملت‌های مسلمان و تجاوز به منابع آنان افتادند. یهود در برابر اسلام نیز نقش افسادی وسیعی بر عهده داشته‌اند. سازمان یهود و اسرائیل به دنبال حاکمیت جهانی است و این حاکمیت را آرزوی نهایی جهان می‌داند. پرداختن به واقعه آرماگدون (واقعه ناگزیر پایان تاریخ بشری) در قالب فیلم‌های هالیوودی و تسخیر جهان توسط یهودیان در همین راستا صورت گرفته است.

یهود در زمان ظهور

با توجه به گستردگی حضور و نقش صهیونیست یهودی در کل وقایع جهان امروز و اعتقاد آنان به ظهور منجی و تلاش برای ظهور آن، حضور موثر یهودیان در زمان ظهور امری مورد پذیرش می‌باشد. آیات بسیاری درباره یهود، عملکرد و سیره رفتاری آنها در قرآن آمده که می‌تواند گویای نوع عملکرد یهود در زمان ظهور باشد اما فقط آیات سوره اسراء به حضور یهود در زمان ظهور و فتح مسجدالاقصی توسط حضرت دلالت دارد که توضیح آن در ادامه خواهد آمد. صدور روایات فراوان با محوریت یهود، شاهدی بر حضور آنها در زمان ظهور بوده که در ادامه به آنها استناد می‌کنیم.

قرائن وجود یهود در عصر ظهور

آیه دال بر حضور یهود تا آخرالزمان

بر اساس آیات قرآن، یهود تا روز قیامت وجود دارند:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا، وَاللَّيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (مائده: ۶۴)؛

و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌های‌شان بسته باد و به خاطر این سخن از رحمت الهی دور شوند بلکه هر دو دست «قدرت» او گشاده است؛ هر گونه بخواهد

می‌بخشد ولی این آیات که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می‌کند. و خداوند مفسدان را دوست ندارد.

روایات دعوت یهود به اسلام

عن كعب قال: إنما سمى المهدي لأنه يهدى إلى أسفار من أسفار التوراة يستخرجها من جبال الشام، يدعو إليها اليهود فيسلم على تلك الكتب جماعة كثيرة، ثم ذكر نحواً من ثلاثين ألفاً؛

جز این نیست که مهدی نامیده شد چون او هدایت می‌کند به قسمت‌هایی از توراتی که آن را از کوه‌های شام خارج کرده است، و یهود را به سوی آن دعوت می‌کند پس جماعت زیادی بر آن کتب تسلیم می‌شوند که سی هزار نفر ذکر شدند. (عبدالرزاق، ج ۱۱، ۳۷۲)

این روایت از مسلمان شدن عده زیادی از یهودیان خبر می‌دهد که حاکی از بقای تعدادی از یهودیان بر آئین خود در زمان ظهور می‌باشد. روایت دیگری نقل شده که می‌فرماید:

عن سليمان بن عيسى قال: بلغني أنه على يدي المهدي يظهر تابوت السكينة من بحيرة طبرية حتى تحمل فتوضع بين يديه بيت المقدس، فإذا نظرت إليه اليهود أسلمت إلا قليلاً منهم؛

سليمان بن عيسى می‌گوید: به من خبر رسید که به دست مهدی تابوت سکینه از بحیره طبریه ظاهر می‌شود و (آن را) حمل می‌کند و در بیت المقدس قرار می‌دهد، پس هنگامی که یهود به آن نظر می‌کنند اسلام می‌آورند مگر اندکی از آنان. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ج ۱، ۳۵۵ و ۳۶۰)

این دسته از روایات که به دو نمونه آن اشاره شد، با بیان بقاء تعدادی از یهودیان بر آیین خود به حضور یهودیان در زمان ظهور اشاره داشته و پذیرش این دسته از روایات جایی برای تردید در حضور آنان با پایبندی به آئین‌شان باقی نمی‌گذارد.

روایات قضاوت بین یهود با تورات‌شان

روایاتی که قضاوت کردن حضرت درباره صاحبان ادیان در زمان ظهور را، بر اساس آئین خودشان بیان می‌دارد، دلیلی بر حضور آنان در زمان حضرت می‌باشد.

عن عمر بن شمر عن جابر قال : دخل رجل على ابي جعفر الباقر عليه السلام ... ثم قال اذا قام القائم اهل البيت قسم بالسوية وعدل في الرعية فن اطاعه فقد اطاع الله ومن عصاه فقد عصى الله وانما سمي المهدي مهديا لانه يهدي الى امر خفي ويستخرج التوراة وسائر كتب الله عزوجل من غار انطاكية ويحكم بين اهل التوراة بالتوراة وبين اهل الانجيل بالانجيل و بين اهل الزبور بالزبور و بين اهل القرآن بالقرآن؛

عمر بن شمر از جابر نقل می‌کند که مردی بر امام باقر عليه السلام وارد شد... سپس فرمودند: هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کند میان مردم به عدل رفتار می‌نماید پس کسی که از او اطاعت کند پس خدا را اطاعت نموده و کسی که از او نافرمانی کند، از خدا نافرمانی نموده و بدرستی که صاحب امر، مهدی نامیده شده زیرا که به امری پنهان هدایت شده است و تورات و سایر کتاب‌های آسمانی خدای عزوجل را از غاری که در انطاکیه واقع شده خارج می‌کند و بین اهل تورات به تورات و اهل انجیل به انجیل و اهل زبور به زبور و اهل قرآن به قرآن حکم خواهد کرد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷)

عبارت (یحكم بين اهل التورات بالتورات) شاهدهی بر حضور یهود در زمان حضرت بوده و بیانگر اجرای عدالت توسط حضرت طبق آیین خودشان است.
در روایت دیگری آمده است:

عن كعب قال: يستخرج تابوت السكينة من غار بأنطاكية فيه التوراة التي أنزل الله تعالى على موسى والإنجيل الذي أنزل الله عزوجل على عيسى، يحكم بين أهل التوراة بتوراتهم و بين أهل الإنجيل بإنجيلهم.

كعب می‌گوید: تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه خارج می‌کند؛ توراتی که خداوند متعال بر موسی نازل کرد و انجیلی که خداوند متعال بر عیسی نازل کرد در آن قرار دارد، بین اهل تورات با توراتشان و بین اهل انجیل با انجیلشان حکم می‌کند. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ج ۱، ۳۵۵)

آیات دالّ بر اختلاف یهود تا قیامت

شناخت نحوه عملکرد یهود در طول تاریخ بهترین راهنما برای فهم چگونگی مواجهه این قوم با حضرت در زمان ظهور است و آیات قرآن به روشنی گویای شیوه و روش رفتار آنان می‌باشد. بیشتر آیاتی که درباره این قوم نازل شده، شرح وقایع زمان حضرت موسی عليه السلام و چگونگی برخورد ایشان با قوم بنی اسرائیل می‌باشد. همچنین آیاتی نیز به فتنه‌انگیزی یهودیان در وقایع زمان اسلام اشاره دارد اگر چه دقت در تمام این آیات، در شناخت افکار و اعمال این قوم و چگونگی مقابله آنها با فرستادگان الهی لازم بوده و برای آگاهی از نحوه

برخورد آنها در زمان ظهور لازم است، اما برای پرهیز از اطاله کلام تنها به عنوان نمونه به ذکر آیاتی اکتفا می‌کنیم که بیانگر فتنه‌انگیزی و فساد آنها می‌باشد.

خداوند در سوره مائده می‌فرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ ظُغْيَانًا وَكُفْرًا، وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (مائده: ۶۴)؛

و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هایشان بسته باد و به خاطر این سخن از رحمت الهی دور شوند بلکه هر دو دست «قدرت» او گشاده است؛ هرگونه بخواهد می‌بخشد ولی این آیات که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند. و خداوند مفسدان را دوست ندارد.

کلمه «القیامه» در آیات مختلف به معانی متعددی دلالت می‌کند و در این آیه عبارت «یوم القیامه» بر نهایت کار دلالت می‌کند؛ همان‌طور که در آیات (اسراء: ۵۸؛ آل عمران: ۵۵؛ مائده: ۶۴؛ اعراف: ۱۶۷؛ اسراء: ۶۲؛ قصص: ۷۱-۷۲؛ احقاف: ۵؛ قلم: ۳۹) به معنی غایت و نهایت آمده - که بیانگر جنگ افروزی مداوم یهود می‌باشد. همچنین در ادامه آیه عبارت «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» بیانگر یکی از سنت‌های الهی است که یهود هر زمانی ایجاد فساد نمایند محکوم به سرکوب خواهند بود. اگرچه این آیه به فساد یهود اختصاص دارد اما بیان عبارت «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» در آخر آیه می‌تواند دلیلی بر عمومیت این سنت الهی باشد.

همچنین خداوند می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (اعراف: ۱۶۷)؛

و هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع است و در عین حال آمرزنده و مهربان است.

عبارت «مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ» که در ادامه «الی یوم القیامه» آمده به تحت سلطه بودن و رنج و سختی مداوم یهود اشاره دارد و دلیل این خواری و ذلت را سنت الهی «سَرِيعُ الْعِقَابِ»

بودن خداوند متعال بیان می‌کند. این دو آیه فسادانگیزی همیشگی یهود و خواری و ذلت مداوم آنها را بیان کرده که شامل زمان ظهور حضرت نیز خواهد شد.

آیات سوره اسراء

آیه‌هایی که به صراحت فسادانگیزی یهود و نبرد حضرت با آنها را بیان می‌دارد، آیات ۸-۴ سوره اسراء است که از تحقق دو وعده الهی درباره قوم بنی اسرائیل سخن می‌گوید؛ وعده‌ای که حتمی بوده و جزایی برای دو بار سرکشی آنان در برابر حق می‌باشد.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيُدْخِلُوا الْمُسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ (اسراء ۴-۸)؛

ما برای بنی اسرائیل در کتاب تورات چنین مقدر کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود - هنگامی که نخستین وعده فرا می‌رسد گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند حتی برای به دست آوردن مجرمان) خانه‌ها را جست‌وجو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی - سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد و نفرت شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم - اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید و هنگامی که وعده آخر فرا رسد (آن چنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم در صورت‌های تان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند. - امید است پروردگارتان به شما رحم کند. هر گاه برگردید، ما هم باز می‌گردیم؛ و جهنم را برای کافران زندان سختی قرار دادیم.

مخاطب آیات سوره اسراء

قبل از بررسی محتوی آیات سوره اسراء، آن چه باید مورد توجه قرارگیرد این که خطاب این آیات به قوم بنی اسرائیل بوده و قوم بنی اسرائیل همان قوم یهود به معنای امروزی آن است. بررسی تاریخ گواه بر این است که بنی اسرائیل همان فرزندان و نوادگان یعقوب (اسرائیل) هستند که بعدها توسط حضرت موسی علیه السلام به آیین یهود ایمان آوردند و به دلیل ایمان به یهوه

خدای قوم یهود به این نام معروف گشتند:

قَالَ الْإِمَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وُلِدَ يَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ اللَّهُ (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ۲۲۷)؛

چون به موسی وحی شد که بیهوه یعنی پرستش خدای بزرگ را به قومت معرفی کن، لذا (پیروان) دین موسی به یهود نامگذاری شده است (جان بی فاس، ۱۳۵۴: ج ۳، ۳۳۲).

در سوره بقره بعد از نابودی فرعون، خداوند قوم حضرت موسی عليه السلام را بنی اسرائیل خطاب کرده می فرماید:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۴۷)،

ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم، به یاد بیاورید.

نعمتی که بر بنی اسرائیل نازل شده بعثت حضرت موسی عليه السلام بیان شده است:

قَالَ الْإِمَامُ قَالَ: اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ أَنْ بَعَثْتُ مُوسَى وَهَارُونَ (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ۲۴۰).

بنابر آن چه گذشت، آشکار می گردد که مخاطب همه آیات بنی اسرائیل یا همان قوم یهود می باشد.

دو وعده الهی

این آیات از دو فساد بنی اسرائیل خبر می دهد. با توجه به اینکه تاریخ، مکرراً از فساد بنی اسرائیل خبر می دهد، مفسران احتمالات مختلفی درباره دو فساد بزرگ مطرح شده در آیات داده اند.

دیدگاه اول

احتمال اولی که در برخی تفاسیر مطرح شده این است که از تاریخ یهود برمی آید که اولین کسی که از ناحیه خدا مبعوث شد که بیت المقدس را ویران کند بخت النصر بود که در این نوبت مدت هفتاد سال به صورت خرابه در آمده بود، و آن کس که در نوبت دوم بیت المقدس را ویران کرد قیصر روم اسپیانوس بود که تقریباً یک قرن قبل از میلاد می زیسته و وزیر خود طوطوز را روانه کرد تا مسجد را خراب و مردمش را ذلیل ساخته و تنبیه نماید.

برخی از مفسران این دو حادثه را به عنوان دو وعده الهی پذیرفته‌اند زیرا بقیه حوادثی که تاریخ برای بنی اسرائیل نشان می‌دهد طوری نبوده که به کلی آنان را از بین برده و استقلال و مملکت‌شان را از ایشان گرفته باشد، به خلاف داستان بخت‌النصر که همه آنان و استقلال‌شان را تا زمان کورش به کلی از بین برد. آن‌گاه کورش بعد از مدتی همه آنان را جمع نموده و سر و صورتی به زندگی‌شان داد. بار دیگر رومیان بر آنان دست یافتند و قوت و شوکت‌شان را گرفتند و دیگر تا زمان اسلام نتوانستند قد علم کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۱۳، ۵۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۵، ۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۶۱۷)

نقد: با توجه به عبارت «عباداً لنا» که در آیه آمده این احتمال رد می‌شود. زیرا عباداً لنا یعنی بندگان ویژه خداوند و قطعاً بخت‌النصر و اسپانوس نمی‌توانند عباداً لنا باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۱۳، ۵۹)

دیدگاه دوم

برخی تفاسیر روایی بر اساس روایاتی، نقض عهد دو خلیفه اول را همان دو فساد دانسته و معتقدند وعده اول در جنگ جمل، امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحابش بوده و وعده دوم توسط حضرت قائم علیه السلام صورت می‌گیرد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۴۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۵۰۸)

نقد: با توجه به این‌که نقش یهود در تعیین دو خلیفه پذیرفته شده (طائب، ۱۳۹۲: ۲۲-۴) و از طرفی روایات از باب تاویل است، این دو نقض عهد می‌تواند مصداقی از آیه باشد و ایرادی به این دیدگاه وارد نیست اما از لحاظ تفسیری با توجه به عبارت «لیدخلوا المسجد» که تصریح بر وقوع ورود به مسجد در وعده دوم داشته و تاکید آیه بر عبارت «کما دخلوه اول مره» که بیانگر ورود عباد لنا به مسجد در وعده اول است، باید احتمال دیگری بررسی شود.

دیدگاه سوم (دیدگاه برگزیده)

با توجه به آن‌چه بیان شد، احتمال دیگری را مطرح می‌کنیم که با شواهد موجود در آیه منطبق بوده و روایاتی نیز بر صحت مدعا وجود دارد. در این آیات چند عبارت (فی الارض مرتین - وکان وعدا مفعولا - لیدخلوا المسجد کما دخلوه اول مره) پذیرش احتمال وقوع هر دو وعده الهی را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام شدت می‌بخشد. توضیح بیشتر این‌که؛ در عبارت (فی الارض مرتین) کلمه (ارض) استفاده شده در صورتی که در وعده دوم در عبارت

(لیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مره) از لفظ (مسجد) استفاده شده که به دست می آید که بنی اسرائیل دو بار در زمین به طور مستقیم یا غیرمستقیم فساد می کنند اما هر دو وعده در بیت المقدس محقق می شود. عبارت (و کان وعدا مفعولا) طبق روایتی که در ذیل مطرح می شود، ظهور حضرت است و به وعده اول نسبت داده شده است و شاهدی بر این مدعا است.

شواهد روایی در تأیید دیدگاه سوم

در تأیید این احتمال روایتی مطرح می کنیم که تحقق وعده اول را به دست حضرت مهدی علیه السلام می داند.
در تفسیر العیاشی آمده است:

عن حمران عن أبي جعفر عليه السلام قال كان يقرأ **﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾** ثم قال: وهو القائم وأصحابه أولى بأس شديد؛
از حمران نقل شده که ابو جعفر عليه السلام هنگام قرائت آیه **﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾** فرمودند: حضرت قائم عليه السلام و اصحابش **أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ** هستند. (عیاشی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۸۱)

این روایت ممکن است از نظر سند ضعیف باشد اما در میان اهل سنت مشهور است.
روایت دیگری که پذیرش این احتمال را شدت می بخشد روایتی است از کتاب کافی که می فرماید:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبُظَلِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى - وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ قَتْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ طَعْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا قَالَ قَتْلُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام فَلَا يَدْعُونَ وَشِرَاءَ لَالٍ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَّا قَتَلُوهُ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام - ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ خُرُوجِ الْحُسَيْنِ عليه السلام (كليني، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۰۶):

عده ای از اصحاب از ابو عبدالله عليه السلام نقل کردند که ایشان درباره قول خداوند تعالی وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ فرمودند (این دو فساد) قتل علی ابنی ابی طالب عليه السلام و اهانت به امام حسن عليه السلام است - درباره وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا فرمودند قتل

حسین علیه السلام است - فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا (این وعده اول) زمان پیروزی خون حسین علیه السلام است بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قَوْمِي هَسْتُمْ که خداوند آنها را قبل از خروج حضرت قائم علیه السلام مبعوث می کند و کسی خونی از آل محمد علیهم السلام نمی ریزد مگر این که (این قوم) او را می کشند - وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا خروج حضرت قائم علیه السلام است - ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ خروج امام حسین علیه السلام است.

با استناد به عبارت «فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام» که به وعده اول نسبت داده شده است اگر منظور از این عبارت خون خواهی از خون سیدالشهداء علیه السلام باشد، می توانیم تحقق وعده اول را به دست حضرت بدانیم. عبارت «و کان وعدا مفعولا» نیز خروج حضرت بیان شده است. در این روایت در عبارت «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام» به یاران حضرت نیز اشاره شده است.

در بررسی روایی تدابیر حضرت در مواجهه با یهود، وجود روایات با مضامین متفاوت حاکی از حضور طولانی مدت یهود در زمان ظهور بوده و به نظر می رسد روایات، از تدابیر مختلف حضرت در رویارویی با فتنه انگیزی یهود در آن دوران خبر می دهد. احادیث از سه رویکرد متفاوت در مواجهه با یهود خبر می دهد که این سه رویکرد یا در سه زمان متفاوت در سیر اصلاح جامعه توسط حضرت رخ می دهد و یا با توجه به پراکندگی یهود در مناطق مختلف برخوردهای متفاوتی از جانب حضرت صورت می گیرد. که با توجه به تاکید روایات بر حضور حضرت در بیت المقدس، احتمال اول قوی تر به نظر می رسد اگر چه ممکن است هر سه احتمال در نظر گرفته شود.

واکنش یهود در مواجهه با امام زمان علیه السلام در عصر ظهور

جنگ طلبی یهودیان در مواجهه با امام زمان علیه السلام

در بررسی روایات مربوط به مقابله یهود با حضرت، تعداد زیادی از روایات از نبرد نظامی و نابودی کامل یهودیان به دست حضرت حکایت می کند:

عن ابن عمر أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: يقاتلكم اليهود فتسلطون عليهم حتى يقول الحجر: يا مسلم هذا يهودي ورأى فاقته؛

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: یهود با شما نبرد می کنند پس شما بر آنها مسلط می شوید تا جایی که سنگ می گوید: ای مسلمان این یهودی پشت سر من است پس او را بکش. (عبدالرزاق: ج ۱۱، ۳۹۹)

آن چه در این روایت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است شروع این نبرد توسط یهود است که با پیروزی مسلمانان و نابودی یهود به پایان می‌رسد و اگرچه این احادیث حکایت از نابودی تمام یهودیان نداشته اما قدر مسلم، نابودی یهودیان شرکت‌کننده در نبرد می‌باشد، به طوری که آن چنان عرصه بر آنان تنگ می‌گردد که به هر مکانی جهت پناه بردن متوسل می‌شوند ولو تخته سنگی باشد اما آن سنگ هم به امر خداوند به صدا درآمده و مخفیگاه او را لو می‌دهد.

چگونگی نبرد و زمان نبرد

در خصوص جزئیات این نبرد، چند مورد را می‌توان از روایات به دست آورد؛ فرماندهی حضرت عیسی علیه السلام، رویارویی نظامی و غیرنظامی و شدت این نبرد. با استناد به برخی روایات، فرماندهی نبرد با یهود را حضرت عیسی علیه السلام به عهده داشته و همان طور که از حدیث زیر به دست می‌آید ایشان با استفاده از دو نوع تدبیر فرهنگی و نظامی به مقابله با دجال پرداخته که بالاخره منجر به نابودی کامل او می‌شود:

و بروایة آخری عن عبدالله بن عمرو قال: ينزل عيسى بن مريم عليه السلام فإذا رآه الدجال ذاب كما تذوب الشحمة، فيقتل الدجال ويتفرق عنه اليهود، حتى أن الحجر ليقول: يا عبدالله المسلم هذا عندي يهودي فتعال فاقتله؛
عیسی بن مریم علیه السلام نازل می‌شود پس هنگامی که به دجال نظر می‌کند، دجال مانند ذوب شدن چربی ذوب می‌شود. پس دجال را می‌کشد و یهود متفرق می‌شود تا این که همانا سنگ می‌گوید: ای بنده مسلمان خدا این یهودی نزد من است پس بیا و او را به قتل برسان. (عبدالرزاق: ج ۱، ۳۹۹)

این روایت به وقوع نبرد بین امام و یهود اشاره دارد و عبارت (ذاب كما تذوب الشحمة) و مانند آن که در روایت به آن اشاره شده بر تأثیرگذاری فرهنگی و غیرنظامی حضرت دلالت دارد. بنابراین نابودی یهود توسط حضرت عیسی علیه السلام اولاً با تدابیر نظامی و شکست یهودیان و ثانیاً با تدابیر فرهنگی در قالب روشنگری و هدایت آنان به اسلام، انجام می‌پذیرد. و اگرچه احادیث دلالت بر نابودی همه یهودیان ندارد اما با توجه به اختصاص وصف (اشد الفتن) به این نبرد و هم‌چنین تحقق ظهور کامل اسلام بعد از نزول حضرت عیسی علیه السلام، که در احادیث زیر بیان می‌شود، باید نزول ایشان را پایان بقاء یهود دانست.

عن حذيفة بن اليمان عن النبي صلى الله عليه وسلم: ... ويصلي عيسى معهم، ثم ينصرف الإمام ويعطي عيسى الطاعة، فيسير بالناس حتى إذا رآه الدجال ماع كما يميع الملح ويمشي إليه عيسى.

فیقتله بإذن الله تعالى و یقتل معه من شاء. ثم یفترقون و یختبئون تحت کل شجر و حجر حتی یقول الحجر: یا عبدالله یا مسلم تعال هذا یهودی ورائی فاقتله، و یدعو الشجر مثل ذلك غیر شجرة الغرقة شجرة الیهود لا تدعو الیهم أحدا یكون عندها. قال رسول الله ﷺ: إنما أحدثکم هذا لتعقلوه و تفهموه و تعوه و اعملوا علیه و حدثوا به من خلفکم و لیحدث الآخر الآخر، و إن فتنته أشد الفتن، ثم تعیشون بعد ذلك ما شاء الله مع عیسی بن مریم علیها السلام؛

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ... عیسی با آنها نماز می خواند سپس امام (زمان صلی الله علیه و آله) موقتاً از فرماندهی کناره گرفته و رهبری را به عیسی واگذار می کند پس عیسی با مردم میرود تا هنگامی که به دجال نظر می کند دجال از بین می رود همان طور که نمک در آب حل می شود و عیسی به سوی او رفته و به اذن خدا او و هر کسی را که بخواهد می کشد. سپس متفرق می شوند و زیر هر درخت و سنگی پنهان می شوند تا هر سنگی می گوید ای بنده خدا ای مسلمان بیا و این یهودی پشت سر من است پس او را بکش. و درخت نیز همچنین دعوت می کند غیر از درخت غرقده که درخت یهود است به مسلمانان نمی گوید کسی نزد اوست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جز این نیست که به شما خبر می دهم تا در آن بیاندیشید و بفهمید و ادراک کنید و بر طبق آن عمل کنید و برای بعد از خود بازگو کنید و نسل به نسل منتقل شود، و همانا فتنه اش شدیدترین فتنه ها است سپس بعد از آن، آن طور که خدا خواهد همراه با عیسی ابن مریم علیها السلام زندگی می کنید. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ج ۲، ۵۶۸)

در این روایت عبارت (ان فتنته اشد الفتن) بیانگر وقوع جنگ و فتنه ای شدید توسط یهود و نابودی آنان توسط حضرت عیسی علیها السلام می باشد که پس از آن ظهور کامل اسلام محقق می شود.

عن مجاهد، فی قوله عزوجل: حَتَّى تَصْعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا قال: یعنی حتی ینزل عیسی بن مریم علیها السلام فیسلم کل یهودی و کل نصرانی و کل صاحب ملة، و تأمن الشاة الذئب و لا تقرض فأرة جرابا، و تذهب العداوة من الأشياء کلها، و ذلك ظهور الإسلام علی الدین کله؛

از مجاهد درباره قول خداوند حَتَّى تَصْعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا می گوید: تا این که عیسی بن مریم علیها السلام نازل شود پس هر یهودی و نصرانی و هر صاحب ملتی مسلمان شود و گوسفند از گرگ ایمن شود و موش چرم را نمی جود (آسیب نمی زند) و دشمنی از همه امور دور شود و این ظهور کامل اسلام است. (البیهقی، ۱۳۴۴: ج ۹، ۱۸۰)

أخرج سعید بن منصور، و ابن المنذر، و البیهقی فی سننه عن جابر فی قوله: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، قال: لا یكون ذلك حتی لا یبقی یهودی و لا نصرانی و لا صاحب ملة إلا الإسلام؛ جابر در قول لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛

می‌گوید: این امر واقع نمی‌شود تا زمانی که یهودی و نصرانی و صاحب ملتی به غیر از اسلام باقی نماند. (البیهقی، ۱۳۴۴ق: ج ۹، ۱۸۰؛ حر عاملی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۵۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۱ به نقل از کنزجامع الفوائد وتاویل الآيات الظاهره)

مجموع روایات مطرح شده حاکی از وقوع فتنه‌ای شدید توسط یهود بوده و در پی آن نبردی بین یهودیان و مسلمانان صورت می‌گیرد که مسلمانان با فرماندهی حضرت عیسی علیه السلام پیروز شده و ظهور کامل اسلام تحقق پیدا می‌کند. در روایات، زمان وقوع فتنه دجال، پس از برقراری آرامش در حکومت حضرت مطرح شده است:

ستكون فتنة يحصل الناس منها كما يحصل الذهب في المعدن، فلاتسبوا أهل الشام و سبوا ظلمتهم فإن فيهم الأبدال. و سيرسل الله إليهم سبيًا من السماء فيفرقهم حتى لو قاتلتهم الثعالب غلبتهم، ثم يبعث الله عند ذلك رجلا من عترة الرسول ﷺ في اثني عشر ألفا، يقاتلهم أهل سبع رايات ليس من صاحب راية إلا وهو يطمع بالملك فيقتلون و يهزمون، ثم يظهر الهاشمي فيرد الله إلى الناس إلفتهم و نعمتهم، فيكونون على ذلك حتى يخرج الدجال؛

به زودی فتنه‌ای ایجاد خواهد شد که مردم از آن فتنه جدا می‌شوند. همانگونه که طلا در معدن جداسازی می‌شود پس اهل شام را دشنام ندهید بلکه ظالمین آنها را نفرین کنید اگر چه در بین آنها افراد صالحی باشد. به زودی خداوند بلایی از آسمان به سوی آنها می‌فرستد پس دچار تفرقه می‌شوند به طوری که اگر روباه‌ها با آنان بجنگند بر آنان پیروز می‌شوند. آنگاه خداوند نزد آنان مردی از خاندان پیامبر ﷺ (که درود خدا بر او و خاندانش باد) را با دوازده هزار نفر مبعوث می‌کند، مردم هفت پرچم با آنان نبرد می‌کنند و صاحب هر اقلیم و عقیده‌ای که طمع فرمانروایی و حکومت کند با آنان می‌جنگد و شکست می‌خورند. آن‌گاه مردی از تبار هاشمی ظهور می‌کند و خداوند مهر آنان و نعمت‌شان را به مردم عرضه می‌کند، و آنان بر همین حال هستند تا این‌که دجال خروج کند. (کورانی، ۱۴۳۰: ۶۱۲-۶۱۳)

ایجاد آرامش بین مردم بعد از وقوع حوادث و فتنه‌ای سخت حاکی از این مطلب است که مرد هاشمی، همان حضرت می‌باشند و فتنه دجال متاخر از تشکیل حکومت ایشان به وقوع می‌پیوندد.

عن ابن وزير الغافق أنه سمع علياً عليه السلام يقول: يخرج في اثني عشر ألفاً إن قلوباً و خمسة عشر ألفاً إن كسروا، يسير الرعب بين يديه، لا يلقاه عدو إلا هزمهم بإذن الله، شعارهم أمت

أمت، لا يباليون في الله لومة لائم، فيخرج إليهم سبع رايات من الشام فيهمزهم ويملك فترجع إلى المسلمين محبتهم و نعمتهم وقاصتهم و بزارتهم، فلا يكون بعدهم إلا الدجال. قلنا: وما القاصة و البزارة؟ قال يقبض الأمر حتى يتكلم الرجل بأشياء لا يخشى شيئاً؛ از ابن وزیر غافقی نقل شده شنیدم از علی عليه السلام که می فرماید: آنان در لشکری به تعداد حداقل دوازده هزار نفر و حداکثر پانزده هزار نفر خروج می کنند و ترس و وحشت را پیشاپیش خود به حرکت در می آورند و هر شخصی که با آنان رو به رو شود به یاری خدا از آنان شکست می خورد، شعارشان صلح و آرامش است، در راه خدا از ملامت ملامتگر نمی ترسند و در مقابل آنان مردم هفت پرچم و عقیده از شام خروج می کنند پس آنان را شکست می دهند و قدرت را به تملک خود در می آورند آنگاه به مسلمین، محبت و نعمت و قاصه و بزارتشان بر می گردد، و کسی پس از آنان نخواهد بود مگر دجال. پرسیدم: قاصه و بزاره چیست؟ گفت امر به گونه ای می شود که انسان بدون ترس از چیزی، آنچه را می خواهد می گوید. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱، ج ۱، ۳۴۷)

این روایت نیز از خروج سپاهی با اعتقاد که به اذن الهی در نابودی دشمنان از هیچ ملامتی ترسی ندارند حکایت دارد که برقراری صلح و آرامش توسط آنان تحقق می یابد. با توجه به اینکه ایجاد چنین شرایطی جز به دست حضرت امکان پذیر نمی باشد، طبق این دسته از روایات وقوع فتنه دجال مدت زمانی پس از استقرار حکومت حضرت می باشد.

حمایت از دشمنان امام زمان عليه السلام

در بررسی روایات با روایاتی برخورد می کنیم که به حمایت یهود از دشمنان حضرت و یا به بیان دیگر به شرکت داشتن در نبرد قدرت های بزرگ در مقابل امام اشاره دارد. از جمله این روایات، روایاتی است که بر پیایی بودن فتح روم و نابودی دجال دلالت دارد، اگر چه پیایی بودن دو نبرد وساطت یهود را در پشتیبانی از روم اثبات نمی کند، اما تضعیف قدرت یهود که روایت به آن اشاره دارد نشان می دهد که روم خط دفاعی یهود بوده و با شکست آنان یهود قدرتش را از دست می دهد:

عن عبدالله بن عمرو بن العاص قال: يبلغ الذين فتحوا القسطنطينية خروج الدجال فيقبلون حتى يلقوه ببیت المقدس، قد حصره نالك ثمانية آلاف امرأة و اثنا عشر ألف مقاتل هم خير من بقى و صالح من مضى، فبينما هم تحت ضباة من غمام إذ تكشف عنهم الضباة مع الصبح، فإذا بعيسى بن مريم عليه السلام بين ظهرانهم، فينكب إمامهم عنه ليصلي بهم، فيأتي عيسى بن مريم عليه السلام حتى يصلي إمامهم تكرمة لتلك العصابة، ثم يمشی.

إلى الدجال وهو في آخر رمق فيضربه فيقتله فعند ذاك صاحت الأرض فلم يبق حجروا ولا شجروا لا شيء إلا قال: يا مسلم هذا يهودى ورأى فاقته، إلا الغرقة فإنها شجرة يهودية؛
عبدالله بن عمر بن عاصم می گوید: خبر خروج دجال به فاتحان قسطنطنیه می‌رسد پس به سمت او رفته و در بیت المقدس او را ملاقات می‌کنند تعداد آنها هشت هزار زن و دوازده هزار مرد جنگجوی پرهیزگار و بهترین باقی ماندگان هستند پس آنها در حیرت بودند تا این‌که این بلا تکلیفی و سردرگمی صبحگاهان از بین رفته و عیسی بن مریم علیه السلام برای احترام و اکرام به آنها میان آنها حاضر و اقامه نماز می‌کند. سپس به سوی دجال که قدرتش تضعیف شده رفته و او را می‌کشد و در آن هنگام زمین صیحه می‌کشد و سنگ و درخت و چیزی باقی نمی‌ماند مگر او را بکش مگر غرقده که درخت یهود است، بگوید: ای مسلمان این یهودی پشت سر من است (ابن حماد، ۱۴۲۳: ج ۲، ۵۷۰)

وساطت دجال در نبرد روم و حتی نبردهای دیگر از عبارت (و هو فی آخر رمقه) به دست می‌آید زیرا این عبارت، بیانگر حمله نظامی دجال با نیروی اندک به مسلمانان است.

تدابیر امام زمان علیه السلام در مواجهه با یهود در عصر ظهور

دعوت یهودیان به اسلام

احادیث زیادی بر اسلام آوردن همه ادیان به دست حضرت دلالت می‌کند:

عن ابی خالد الکابلی قال ابو جعفر علیه السلام... یفتح الله له شرق الارض وغربها ویقتل الناس حتی لا یبقی الا دین محمد؛

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: خداوند شرق و غرب جهان را برای صاحب امر می‌گشاید. او آن قدری می‌جنگد تا این‌که جز دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم دینی باقی نماند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۹۰؛ به نقل از کتاب فضل بن شاذان)

ابن بکیر می‌گوید: از حضرت ابو الحسن علیه السلام تفسیر آیه شریفه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» را سؤال کردم، فرمود:

أنزلت في القائم علیه السلام إذا خرج في اليهود والنصارى والصابئين والزنادقة وأهل الردة والكفار في شرق الأرض وغربها، فعرض عليهم الإسلام، فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوة والزكوة وما يؤمر به المسلم ويجب لله عليه، ومن لم يسلم ضرب عنقه حتى لا يبقى في المشارق والمغرب أحد إلا وحّد الله؛

ابن بکیر می‌گوید حضرت ابوالحسن درباره آیه ۸۳ سوره آل عمران سؤال کردم فرمود: درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده هنگامی که بر یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و اهل

رده و کفار در شرق و غرب زمین خروج کند پس اسلام را بر آنها عارض می‌کند پس هر کس با اختیار اسلام آورد او را به نماز و زکات امر می‌کند و به هر آن چه بر مسلمان امر شده و خدا آن را واجب کرده امر می‌کند. و هر کس اسلام نیاورد گردنش را می‌زند تا این که در مشرق و مغرب کسی نمی‌ماند مگر به وحدانیت خدا ایمان آورد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۴۰؛ به نقل از تفسیر عیاشی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۸۳)

عبارت (اذا خرج) به وقوع نبرد با ادیان اشاره دارد و بیانگر این مطلب است که پذیرش اسلام توسط صاحبان ادیان به گونه‌ای که جز اسلام دین دیگری باقی نماند جز با نبرد با آنان میسر نمی‌شود و قطعاً چنین نبردی آخرین تدبیر امام در جهت ظهور کامل اسلام است.

عن مجاهد عن ابن عباس: في قوله تعالى ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون. قال لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودى ولا نصرانى ولا صاحب ملة الا دخل في الاسلام؛ مجاهد از ابن عباس در این سخن باری تعالی لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون نقل می‌کند: هیچ یهودی و مسیحی و صاحب دینی باقی نمی‌ماند مگر این که داخل اسلام شده باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۱؛ به نقل از کنز جامع الفوائد وتاویل الآیات الظاهره)

اخراج یهودیان از شهرهای عربی

برخی احادیث بیانگر ذلت یهود و اخراج آنان از شهرهای اعراب می‌باشد.

ابن ولید عن الصفار عن احمد بن محمد بن محمد عن عبایه الاسدی قال سمعت أمير المؤمنين عليه السلام و هو متكىء و أنا قائم عليه: لأبين بمصر منبرا ولأنقض دمشق حجرا حجرا ولأخرجن اليهود من كل كور العرب، ولأسوقن العرب بعضای هذه. قلت له يا أمير المؤمنين عليه السلام كأنك تخبر أنك تحيا بعدما تموت؟ فقال: هيهايات يا عبایة ذهبت في غيرمذهب! يفعله رجل مني (أى المهدي عليه السلام)؛

عبایه می‌گوید: از امیرالمؤمنین عليه السلام شنیدم همانا قائم عليه السلام در مصر منبری بنا می‌کند و سنگ سنگ دمشق را نجات می‌دهد و یهود را از میان مردم عرب خارج می‌کند و عرب را با این عصا مجبور می‌کند. به او گفتم یا امیرالمؤمنین به گونه‌ای خبر می‌دهی که گویا بعد از مردن زنده می‌شوی؟ پس فرمود: ای عبایه به راه نادرستی رفتی! این امر را مردی از من انجام می‌دهد. (یعنی مهدی عليه السلام) (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۶۰؛ به نقل از معانی الاخبار)

دریافت جزیه

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم که صاحب‌الامر با اهل ذمه، یهود و نصارا چه خواهد کرد؟ فرمود: «یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلى الله عليه وآله، و يؤدّون الجزية عن يد و

هم صاغرون...» فرمودند: مانند پیامبر اکرم ﷺ با آنان مصالحه می‌کند، آنها هم با کمال تواضع و خواری جزیه می‌دهند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۷۶ و ۳۸۱)

عبارت (و هم صاغرون) بر پرداخت جزیه همراه با خواری دلالت دارد و این که برخی احادیث رفع حکم جزیه را می‌رساند نیز امری قابل استناد است و با دقت در محتوی هر دو حدیث روشن می‌شود که این دوگانگی حکم به دلیل دوگانگی در زمان آن می‌باشد. احادیثی که بر پرداخت جزیه دلالت دارد مستقیماً توسط حضرت صورت می‌گیرد اما احادیثی که بر رفع حکم جزیه دلالت دارد توسط حضرت عیسی علیه السلام و قطعاً به دستور امام صورت گرفته که زمان نزول ایشان متأخر از آغاز حکومت حضرت می‌باشد.

فاخرنا زید بن اسلم عن ابی هریره قال: ولا تقوم الساعة حتی ينزل عیسی ابن مریم علیها السلام اماما مقسطا، وحکما عادلا، ویبتزقریش الامارة، ویقتل الخنزیر، ویکسر الصلیب، و توضع الجزیة.

زید ابن اسلم از ابی هریره نقل می‌کند که قیامت برپا نمی‌شود تا این که عیسی ابن مریم علیها السلام نازل شود؛ امامی دادگر، حاکمی عادل، و حکومت قریش را (پس) می‌گیرد، خنزیر را می‌کشد، صلیب را می‌شکند، و حکم جزیه را رفع می‌کند. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۳۹۲)

همچنین در مسند حنبل آمده است:

حدثنا عبد الله، حدثنی ابی، ثنا سفیان، عن الزهری، عن سعید، عن ابی هریره یبلغ به النبی صلی الله علیه و آله: یوشک ان ینزل فیکم ابن مریم حکما مقسطا، یکسر الصلیب، ویقتل الخنزیر، ویضع الجزیة، ویفیض المال حتی لا یقبله احد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نزدیک است که پسر مریم (عیسی علیه السلام) در میان شما نازل شود؛ حاکمی دادگر، صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، حکم جزیه را رفع می‌کند، مال (زیادی به مردم) اعطا می‌کند به طوری که قبل از آن کسی (چنین مال زیادی را) نپذیرفته است. (احمد بن حنبل، ۱۴۰۹: ۶۴)

نبرد با یهود

همان طور که قبلاً اشاره شد احادیث زیادی بر نبرد مسلمانان با یهود و نابودی آنان دلالت می‌کند اگرچه که نابودی همه یهودیان را اثبات نمی‌کند اما تدبیری دفاعی در برابر جنگ افروزی یهودیان بوده و احادیث بیانگر وقوع نبرد سخت می‌باشد:

عن ابی هریره أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: لا تقوم الساعة حتی یقتل المسلمون اليهود فیقتلهم

المسلمون حتى يختبئ اليهودى وراء الحجر أو الشجرة فيقول الحجر أو الشجر: يا مسلم يا عبد الله هذا يهودى خلى فتعال فاقتله، إلا الغرقد فإنه من شجر اليهود؛ رسول الله ﷺ فرموندند: قیامت به پا نمی شود تا مسلمانان با یهود نبرد کنند و مسلمانان آنها را بکشند تا این که یهودی پشت سنگ یا درخت مخفی شود و سنگ و درخت بگوید: ای مسلمان ای بنده خدا این یهودی پشت من پنهان شده پس بیا و او را به قتل برسان مگر غرقد پس آن درخت یهود است. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۳۸۱؛ أحمد حنبل، ۱۴۰۹: ج ۲، ۴۱۷)

عن عبد الله بن عمر: أن رسول الله ﷺ قال: تقاتلون اليهود حتى يختبئ أحدهم وراء الحجر فيقول: يا عبد الله هذا يهودى ورأى فاقتله؛ رسول الله ﷺ فرمود: با یهود نبرد می کنند تا این که یکی از آنها پشت سنگ پنهان می شود. پس می گوید: ای بنده خدا این یهودی پشت من است پس او را به قتل برسان. (بخاری، ۱۴۰۷: جزء ۱۰، ۴۱۲)

وعن أبي هريرة: لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا اليهود حتى يقول الحجر وراء اليهودى: يا مسلم هذا يهودى ورأى فاقتله. ابی هریره می گوید: قیامت برپا نمی شود تا این که با یهود نبرد می کنند تا این که سنگی که یهودی پشت آن مخفی شده می گوید ای مسلمان این یهودی پشت من است پس او را به قتل برسان. (البیهقی، ۱۳۴۴: ج ۹، ۱۷۵؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۰۹: ج ۲، ۱۲۱)

این احادیث علاوه بر جنگ میان یهود و یاران امام زمان ﷺ نشان دهنده اوج زبونی و خواری این قوم لجوج نیز می باشد.

نتیجه گیری

آیات قرآن به روشنی بر فتنه انگیزی و جنگ افروزی یهود تا هر زمان که باقی باشند، دلالت می کند و جست و جو در روایات و وجود روایاتی که تدابیر مختلف حضرت در برابر یهود را بیان می کند بر این نکته تأکید دارد که بعد از ظهور، قوم یهود مدت زمان طولانی هم چنان حضور داشته و شعله های آتش فتنه از این قوم نضج گرفته و دست به فساد و طغیان می زنند ولی سرانجام این فتنه به رهبری و سیادت امام زمان ﷺ و به دست بندگان شایسته خداوند، خاموش می گردد به طوری که خانه به خانه آنها را دنبال می کنند. با پذیرش فتنه انگیزی و ایجاد فساد توسط یهود در زمان حکومت حضرت، این احتمال داده می شود که تحقق دو وعده الهی که در آیات سوره اسراء بیان شده توسط خود حضرت و یاران ایشان باشد که روایاتی

نیز این احتمال را تایید می‌کند. همچنین با تأیید روایات بر تدابیر متفاوت حضرت با یهودیان که برخی روایات بیانگر بقای آنان بر دیانت خویش با پرداخت جزیه و اخراج آنان از سرزمین‌های اسلامی بوده و برخی دیگر حاکی از نبرد خونین حضرت و قتل عام آنان دارد و دسته سوم روایات اسلام آوردن همگی آنان را بیان می‌دارد، احتمال وقوع هر دو وعده الهی توسط حضرت را قوت می‌بخشد. بنابراین یهودیان در زمان حکومت حضرت مدت زمان طولانی حضور داشته و به فتنه‌انگیزی می‌پردازند و حضرت نیز تا زمان تحقق وعده دوم با استفاده از روش‌های گوناگون مانع فتنه‌انگیزی آنان شده و به مقابله با آنان می‌پردازد.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ش
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، القاهرة، دارالحدیث، ۱۴۰۹ ق
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، معلق: هاشم رسولی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق
- البخاری، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله، *صحیح بخاری*، بیروت، دار ابن کثیر، الیمامه، ۱۴۰۷ ق
- البیهقی، ابوبکر احمد الحسین بن علی، *سنن بیهقی*، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة فی الهند، ۱۳۴۴ ق
- الحمیری الیمانی الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع، *المصنف*، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ ق
- السیوطی، جلال الدین، *الحاوی للفتاوی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق
- _____، *الدرالمشور*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۳ م
- السیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، *العرف الوردی فی اخبار المهدي*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰
- القشیری النیسابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم، *صحیح مسلم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ ق
- المقدسی الشافعی السلمی، یوسف بن یحیی بن علی، *عقد الدر فی اخبار المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸ ق
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۱۰۴ ق
- _____، *الایقظاظ من الحجج بالبرهان علی الرجعه*، محقق: هاشم رسولی، تهران، نوید، ۱۳۶۲ ش

- صدر، محمد، *تاریخ الغیبه الصغری*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۴ق
- طائب، مهدی، *مهارانحراف*، قم، موسسه فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۹۲ش
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان و تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق
- عروسی حویزی عبد، علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، قم، مکتب العلمیه الاسلامیه، ۱۳۶۳ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
- کورانی، علی، *المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی علیه السلام*، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۳۰ق
- مجدالدین، ابوالسعادات المبارک بن محمد الجزری ابن اثیر، *جامع الاصول فی احادیث الرسول*، مکتبه الحلوانی، ۱۳۸۹ق
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامیه، ۱۴۰۴ق
- محمد بن ابی بکر بن ایوب ابن یعقوب ابن قیم الجوزیه ابو عبدالله، *المنار المیف*، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۳ق
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش
- موسوی همدانی، سید محمد باقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق
- نعیم بن حماد، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق